

آبدارچی شرکت میکروسافت

مرد بیکاری برای آبدارچی گری در شرکت میکروسافت تقاضای کار داد. رئیس هیات مدیره با او مصاحبه کرد و نمونه کارش را پسندید. سرانجام به او گفت شما پذیرفته شده اید.



مرد بیکاری برای آبدارچی گری در شرکت میکروسافت تقاضای کار داد. رئیس هیات مدیره با او مصاحبه کرد و نمونه کارش را پسندید. سرانجام به او گفت شما پذیرفته شده اید. آدرس ایمیل تان را بدهید تا فرم های استخدام را برای شما ارسال کنم. مرد جواب داد: متأسفانه من کامپیوتر شخصی و ایمیل ندارم. رئیس گفت امروزه کسی که ایمیل ندارد وجود خارجی ندارد و چنین کسی نیازی هم به شغل ندارد.

مرد در کمال ناامیدی آنجا را ترک کرد. نمی دانست با ده دلاری که در جیب داشت چه کند. تصمیم گرفت یک جعبه گوجه فرنگی خریده دم در منزل مردم آن را بفروشد. او ظرف چند ساعت سرمایه اش را دوبرابر کرد. به زودی یک گاری خرید. اندکی بعد یک کامیون کوچک و چندی بعد هم ناوگان توزیع مواد غذایی خود را به راه انداخت.

او دیگر مرد ثروتمند و معروفی شده بود. تصمیم گرفت بیمه عمر بگیرد. به یک نمایندگی بیمه رفت و سرویسی را انتخاب کرد. نماینده بیمه آدرس ایمیل او را خواست ولی مرد جواب داد ایمیل ندارم. نماینده بیمه با تعجب پرسید شما ایمیل ندارید ولی صاحب یکی از بزرگترین امپراتوریهای توزیع مواد غذایی در آمریکا هستید. تصورش را بکنید اگر ایمیل داشتید چه می شدید؟ مرد گفت احتمالاً آبدارچی شرکت میکروسافت بودم.